



اگر بار خودبینی را در شب قدر بر زمین بگذاریم پرواز آسان است

شب قدر یعنی شبی که خیر منْ اَلْفِ شهر است، اگر فهمیدن او مشکل است، پیدا کردن اش هم مشکل تر. اگر کوله بار خودبینی و خودخواهی و دنیا طلبی بر دوش او بسته است، طی این راه برای او مشکل است. اینها را که بگذارد کنار، هم فهمیدنش آسان است، هم پرکشیدنش.

شب قدر یعنی شبی که خیر منْ اَلْفِ شهر است، اگر فهمیدن او مشکل است، پیدا کردن اش هم مشکل تر. اگر کوله بار خودبینی و خودخواهی و دنیا طلبی بر دوش او بسته است، طی این راه برای او مشکل است. اینها را که بگذارد کنار، هم فهمیدنش آسان است، هم پرکشیدنش.

به گزارش خبرگزاری مهر، در شب قدر، سخن از «لَیْلَةُ الْقَدْرِ خَیْرٌ مِنْ اَلْفِ شَهْرٍ است» که انسان یک شبه ره هشتاد ساله می رود، این راه دشوار نیست. اگر دشوار بود ما را امر نمی کردند، دعوت نمی کردند. دشواری مال کسی است که کوله بار خود را بر دوش دارد. اگر بار خودبینی را به زمین بگذارد، سبک می شود. وقتی سبک شد، پروازش آسان است! این پرکشیدن با سنگین بال و سنگین بار بودن ممکن نیست.

اگر قرآن به سر می گذاریم، هدف تنها این نباشد که خدا گناهان ما را بیامزد، ما را به جهنم نبرد، ما را به بهشت ببرد. اینها ریخت و پاش سفره شب قدر است. وقتی یک دوستی سفره ای پهن می کند، مائده الهی و مَادِبَةُ الهی می چیند، مهمانهای خود را به بهترین وجه پذیرایی می کند. وقتی مهمانها برخاستند، سفره برچیده می شود، آن ریزه های سفره را می ریزند؛ مرغها آن ریزه های سفره را می چینند.

ریزه سفره شب قدر این است که کسی نسوزد، به جهنم نرود. اینها شب قدر نیست. شب قدر آن است که انسان طیار گونه دست هزارها نفر را بگیرد و به بهشت ببرد. در دنیا رفتار او، گفتار او، سیرت او، سریرت او، ست او آموزنده باشد. هزارها نفر را زنده کند و در آخرت هم هزارها نفر را به همراه خود به بهشت ببرد. اگر ما بتوانیم در کنار سفره الهی و دولت قرآن بنشینیم، چرا در ته صفوف و صَفِّ النِّعَال قرار بگیریم به دنبال آن ریزه های سفره تکان ها باشیم که از سفره تکانده شده چیزی به ما برسد؟!

به ما گفتند: هر کسی به اندازه قدر خود شب قدر را درک می کند و قدر هر کسی هم به اندازه قدر همت اوست. اگر ما به اندازه همت مان دولت قرآن را و دولت قدر را می توانیم ادراک کنیم، چرا همت نطلبیم ما قبل از اینکه از خدا مطرופ بخواهیم، ظرف و ظرفیت هم طلب بکنیم. هرگز نمی توان گفت: چون ما ظرفیت مان اینقدر بود، خدا به ما اینقدر داد. این سخن نیمی از ثواب است، نه هر ثوابی و همه ثواب.

سخن صائب، ثواب، منزه از خطا، مبرای از اشتباه آن است که هم ظرف بخواهیم، هم مطروف. یعنی خدا دو تا فیض دارد: با یک فیض ظرفیت می دهد با فیض دیگر این ظرف را پُر از مطروف می کند و به تعبیر اهل معرفت اگر هر فیضی به اندازه ظرفیت باشد که ما ابداع نخواهیم داشت. ما هم از خدا قابلیت طلب بکنیم، هم مقبول را بخواهیم. هم ظرف طلب بکنیم، هم مطروف طلب بکنیم. این همت اگر در ما زنده شد؛ هرگز نمی گوییم لیاقت ما همین مقدار بود. از ما خواستن و از ذات اقدس إله اجابت کردن!

بنابراین دولت قرآن دولتی است که لَیْلَةُ الْقَدْرِ خَیْرٌ مِنْ اَلْفِ شَهْرٍ است. ریزه های این سفره، ریخت و پاش این مائده همان است که کسی نسوزد، حوائج اش برطرف بشود، بیماران شفا پیدا کنند، دُیُون تادیه بشود، مشکلات معیشت و تورم و مسکن و ازدواج حل بشود. شب قدر یعنی شبی که خیر منْ اَلْفِ شهر. اگر و ما اَدْرَاکَ مَا لَیْلَةُ الْقَدْرِ، اگر فهمیدن او مشکل است، پیدا کردن اش هم مشکل تر. منتها اگر کسی با مفهوم اُنس گرفت، درک این معانی برای او مشکل است. اگر کوله بار خودبینی و خودخواهی و دنیا طلبی بر دوش او بسته است، طی این راه برای او مشکل است. اینها را که بگذارد کنار، هم فهمیدنش آسان است، هم پرکشیدنش*.

*منبع: بخشی از سخنرانی حضرت آیت الله العظمی جواد آملی در مراسم احیای شب نوزدهم ماه مبارک رمضان، حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه(س)، شماره سخنرانی 591